

کلاس فقه تربیتی بازی های رایانه ای

جلسه اول: ۹۷/۹/۲۱

*تنقیح موضوع

فقه تربیتی بازی های رایانه ای چه نوع فقهی است؟ از چه چیزی می خواهد بحث کند و موضوعش چیست؟

این عنوان در نگاه اول یک معنای محصلی را به ما نمی دهد. اینکه فقه تربیتی می خواهد در یک واقعیت خارجی مثل بازی رایانه ای چه کاری بکند؟

*تعریف واژگان و رابطه بین آنها

فقه:

فقه یعنی فهم از متون دینی. فهم از منابع دین یک فهم غامض است که مخلوطی از عقل و عرف است چرا که دانش دین، بصورت متن است (همه ادیان اینگونه اند که معارف و آموزه های خود را در قالب متن ارائه می کنند تا برای آیندگان نیز امکان دسترسی باشد) و برای کشف از متون، باید قواعد متنی را بدانیم و بفهمیم تا دسترسی به فهم از دین داشته باشیم و اگر این قواعد نباشد ظاهر و سطح متن را هم نمی فهمیم تا چه رسد به لایه های عمیق متن.

فهم غامض است چرا که از یک طرف دقت عقلی و از طرفی تسامح عرفی است و یک فقیه باید یک جا با دقت عقلی نگاه و نظر کند و یک جا با فهم عرفی جلو برود.

تربیت:

تربیت به معنای پرورش، یاد دادن و آموختن آمده است. تربیت مصدر باب تفعیل است و می تواند از ریشه رب و یا ربو باشد.

۱- ر ب و: مصدر آن ربوه است و به زمینی که آماس، پف یا ورم کرده است می گویند. همچنین اگر در بیابان مسطح یک قسمت از زمین بالا آمده باشد به آن ربوه گویند. تربیت از این ریشه به معنای فزونی، بالا آمدن، علو و برآمدن است.

۲- رب: در تربیت از این ریشه ابتدا اشتقاق کبیر و سپس اعلال صورت گرفته است. (تربیه ← تربوه ← تربیه ← تربیه) این ریشه در زبان عربی به معنای سرپرستی همراه با هدایت (آنچه در فقه به آن حضانت گفته می شود)، ایجاد کردن، سوق دادن به سمت تعالی، تکامل تدریجی و پرورش آمده است. اینکه به خداوند رب

می گویند از همین باب است که مصداق اتم و اکمل پرورش دادن است و پرورش یعنی کسی را هدایت کردن و به کمال رساندن.

موضوع تربیت : هر شی می تواند موضوع تربیت باشد اما باید اراده و حرکتی داشته باشد ولو اینکه غریزی باشد مثل گیاه و حیوان و انسان و... برحسب موضوع تربیت، جهت هدایت و تعالی و کمال هم روشن می شود. اگر انسان موضوع تربیت باشد چون مولفه های آن متعدد است تربیت و به کمال رساندن آن ، علاوه بر پیچیدگی، جهت بخش هم خواهد بود همچنانکه در درخت ، کمال آن در میوه دادن است.

*ریشه تربیت کدامیک است : ربب یا ربو ؟

اگر کسی به ریشه های مفهومی نگاه کند ربب را انتخاب می کند اما به دو دلیل ربو را اختیار می کنند:

۱-تبدیل و اعلالی که در ریشه ربب باید قائل شد و اصل عدم تبدیل و اعلال است.

۲-در مصدر لفظ مضاعف ، مصدری با وزن تفعله ذکر نشده است بلکه فقط بر وزن تفعیل می آید.

دلیل اول را می پذیریم اما در خصوص دلیل دوم باید متذکر شد که خود علمای نحو گفته اند اوزان مصدر، سماعی و بی قاعده است لذا اشکالی ندارد که در یک لفظ مضاعف، مصدر آن بر وزن تفعله آمده باشد.

علاوه بر اینکه : رب و اطلاق دارد و علو، فزونی و برآمدن را بصورت مطلق شامل می شود فارغ از اینکه به سمت خوب یا بد باشد و لذا در استعمالات هم در مورد کسی که کار خلاف می کند می گوئیم چه کسی او را اینگونه تربیت کرده است؟ برخلاف ربب که در معنای آن جهت گیری ارزشی و تعالی لحاظ شده است که از طرفی خلاف معنای لغوی و محدود کردن معنای لغوی است و از طرفی لازمه دارد هر آنچه خلاف تعالی باشد دیگر تربیت بر آن صدق نکند و این برخلاف ارتکاز و استعمال است. ما نیز ربو را انتخاب می کنیم تا بعدا به این مشکل بر نخوریم که برخی مصداقها را به خاطر در برنگرفتن معنا خارج کنیم.